

متن پرسش

سلام علیکم: مجدداً جناب استاد مکرم و عرض ارادت. تشکر وافر از حسن توجه حضرت عالی. عذرخواهم از اطاله بیشتر. بله ان شاءالله حضور مردم در میدان بتواند زمینه قیام برای انتقام را رقم زند و اوضاع اقتصاد را نیز مرهم زند اما چه کنیم که جریان نفوذ و نفاق دست بر هم نزنند و سنگ بر ملت مبعوث زند و زمزمه از طرح‌های جدید معیشت‌برانداز زند و هنوز از سازش با شیطان دم زند و از لجاجت بر طریق باطل گامی عقب نزنند. سؤال در خصوص رویکرد رحمانی و داهیانه حضرت استاد و رهبر شهید ما است که در آن التفات لازم به رویکرد قهرانی حضرت امیر (ع) با جریان نفاق در صفین و نهروان دیده نمی‌شود و پندارم این است که در این تذکرات بین مدارای مصلحانه و مدارای مجبورانه یا مدارایی که موجب رشد و تنبیه افراد است و مدارایی که موجب مزید جسارت اهل نفاق است تمیزی دیده نمی‌شود. استاد گرامی! از مدارای امیر المؤمنین در حکمیت نه با افتخار که با افسوس یاد می‌شود. مدارای قهرمانانه مدارای ایشان با عایشه بعد از هدم مقتدرانه فتنه جمل است یا مدارای منتج به فتح مکه بعد از صلح حدیبیه در سیره رسول اکرم (ص). مدارایی که حاصل آن سونامی چپاول اقتصادی کشور به دست دلارداران و دلاربازان و نابودی اعتماد مردم به انقلاب عظیم اسلامی و تمهید برای جسارت دشمن شیطانی و قتل عام انبوه فرماندهان نظامی و شهادت رهبر ایمانی باشد نه اثری از عقلانیت دارد نه نشانی از رحمت و عزت و نه هادی به رشد و فتح و امنیت. فلذا باز روشن می‌شود که اختلاف در صغریات است نه کبرویات و محل نزاع شبهه مصداقیه است که آیا اکنون و اینجا و با اینها و کدام‌ها (جریان وفاق؟ نفوذ؟ نفاق؟ نواصولگرایان بی‌بصیرت؟) باید مدارا کرد یا مدارا اصولاً مخصوص مقام و موقع و اشخاص دیگری است و اینجا جای نقد و عتاب و تأدیب این جریان خطرناک برای کیان اسلام و مسلمین و مملکت است؟ به عبارت آخری، مدارا با جریانی که شکست‌های راهبردی بر جبهه حق وارد کرده تا کجا روا است؟ سیاهه بلند این خیانت‌ها را دوباره در خاطر عاطر سیر دهید: تعلل در دفاع از حزب الله و قتل عام اصحاب نصر الله و سقوط سوریه تا فریفته شدن در دو دور مذاکره و اصرار بر تکرار حماقت‌های خونبار و مملکت‌برانداز تا شلاق مهیب دلارداران و دلاربازان بر معیشت کشور (اتاق بازرگانی) که حامیان جریان وفاق در انتخابات اخیر بودند و هزاران هزار میلیارد تومان از ثروت ملت را در دو سال دزدیدند تا تعلل مطلق نسبت به مقوله فرهنگ و حجاب که اوضاع فرهنگی کشور را در دو سال کن فیکون کرده است... استاد گرامی! اصولی که ناظر بر مدیریت داهیانه و رحمانی اختلافات متذکر می‌شوید را سال‌ها پیش از شما خواندیم و به عنوان فردی با بیست سال سابقه تحقیق و تأمل در سیاست و عرفان و حکمت و کسی که همین روزها نیز مشغول

پژوهش‌های فلسفی و عرفانی است، بی‌گانه از ظرفیت عظیم معارف اسلامی برای جلب طینت‌های پاک نیستیم. اما اشکال در این است که رویکرد رحمانی نیز متوقف بر شروط و شرایطی است و آنگاه که بین جریان فساد و نفوذ و وفاق و نواصولگرایی همگرایی و اتفاق می‌افتد طوری که حاصل آن هدم ارکان اسلام و انقلاب است باید اسم قهار و فرقان را به میدان آورد تا از یک سو بر فرق مفسدین و نفوذیان کوفت و از سوی دیگر آلت دست‌های فریب‌خورده خودی را از این خواب گران بیرون کوفت! اما متأسفانه در جریان وفاق چه مفسدین و منافقین آنها چه نواصولگرایان بی‌بصیرت آن‌ها اثری از تنبه و رشد و تجدیدنظر دیده نمی‌شود. اگر از حال و هوای فضای مجازی خارج از ایتا مطلع باشید، از میزان گستاخی و جسارت مزدوران رسانه‌ای وفاق در حق چهره‌های جهاد تبیین‌گر جبهه انقلاب حیرت می‌کنید. اکثر این‌ها ذره‌ای تقوی و عبرت نشان نمی‌دهند و بی‌مهابا بر سازش به هر قیمت پافشاری می‌کنند و تمام چهره‌های انقلابی نخبه که متذکر خطاهای مهلک وفاق شده بودند را هتک حرمت می‌کنند و فجایع معیشتی را به جنگ نسبت می‌دهند تا باز نسخه سازش بیچند. آنچه از این همه می‌خواهم نتیجه بگیرم تجویز رویکرد انتقادی جدی نسبت به وفاق است به جای تجویز رویکرد مدارا و چشم‌پوشی. بحمدالله امروز بعد از ۴۷ سال تأخیر، جبهه‌ای از نخبگان دانشمند انقلابی (در حزب تمدن نوین اسلامی) شکل گرفته که در همین سال‌های اخیر همدیگر را پیدا کرده‌اند و مختصات حکمرانی انقلابی با لوازم فنی و علمی آن را احصاء کرده‌اند و هم تیغ دقیق انتقاد فنی بر خطاهای مهلک کشیده‌اند و هم جوهر لطیف را برای طرح بدیل بر کاغذ کشیده‌اند و این تیغ و آن جوهر هر دو برای نجات انقلاب از مهلکه خطاهای فاسدین و حمقاء، و ترمیم و اصلاح خرابی‌ها ضروری است؛ ضمن حمایت از مواضع جریان‌های تأثیرگذار انقلاب مثل بیانیه خبرگان رهبری و طالبان انتقام خون رهبری که مورد هجمه و هتک حرمت لشکر سایبری وفاق هستند. تشکر از حوصله و حسن نظر استاد گرامی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: خدا را شکر که عزیزانی چون شما در عین توجه به عظمت‌های تاریخی که با انقلاب اسلامی آغاز شده؛ متوجه جایگاه مشکلات بی‌جا و بدون دلیل هستید. و معلوم است که در این مورد سخن بسیار است و بنده در موقعیتی نیستم که چیزی بیش از آن که شما نسبت به آن آگاهی و حساسیت دارید؛ بگویم، مگر آن که در این کلمات، تنها به عنوان گفتگو، گفتگویی بس مختصر با همدیگر داشته باشیم تا برای آبادکردن دهی، شهری را خراب نکنیم. همان‌طور که می‌فرمایید بحث در صغرویات است و هر اندازه جایگاه صغرویات درست فهمیده شود نسبت به حضوری که باید در کلیات داشت، حساس می‌شویم و آن، نظر به سبکی است که باید در معنای «انسان» و «تمدن» در این تاریخ به ظهور آید تا به خوبی نسبت به آن اهداف بلند، جای و جایگاه بسیاری از امور معلوم شود و نه تنها چهره نفاقِ غرب‌زده روشن گردد؛ حتی به گفته جنابعالی بین مدارای حکیمانه که اشاره به اهداف

بلند دارند، با مدارای خطرناک سریع‌القلم‌ها نیز مشخص شود. و این البته غیر از حساسیتی است که باید نسبت به ضعف‌های خودی‌ها داشت که به نظر بنده واژه «نواصول‌گرایان بی‌بصیرت» که فرمودید حقیقتاً نکته‌ی دقیقی است. از این جهت اگر بخواهیم دوباره در دل این حضور متعالی که حقیقتاً با تشییع رهبر شهید، جهانی مقابل ما گشوده شد و به خوبی بتوانیم آن را درک کنیم؛ آری! اگر بخواهیم در دل این حضور متعالی، باز احمدی‌نژادها که بنده نمی‌توانم خلوص آن‌ها را نفی کنم، به میان نیایند، با آن‌همه شعارهای خوب؛ ولی عاری! از حکمت و عاری! از درک حضور تاریخی باید بسیار نسبت به جایگاه آن مشکلات فکر کرد. بنده در حدّ توان و تجربه‌ی خود، اشاراتِ «ما و جنگ رمضان و نظر به حضور تاریخی که در پیش است» را با رفقا در میان گذاشتم که تا حال، ۸۷ نکته از آن مطرح شده https://eitaa.com/bartarin_hozoor البته اشاراتی است که می‌تواند متذکر افقی باشد که در مقابل ما گشوده شده. وای! اگر نسبت به آن افق و آن آینده‌ی متعالی غفلت شود. آینده‌ای که همه‌ی همت آن رهبر شهید، تذکر به آن بود. برادر عزیز جناب حجت الاسلام و مهندس آقای وطن فدا نسبت به موانع راه، تذکراتی داده‌اند که خوب است مدّ نظر قرار گیرد.

https://eitaa.com/bazgasht_be_khishtan/۳۵۲ موفق باشید